

بانوی که تاریخ را تغییر داد

تأثیر شخصیت‌های علمی و فرهنگی در سرنوشت سیاسی و فرهنگی يك جامعه، امری است که نه تنها در دنیای امروز، که از گذشته بر برنامه‌ریزان هر جامعه روشن بوده است. از این رو، سلاطین جور از حضور چهره‌های تأثیرگذار فرهنگی در عرصه سیاست و اجتماع جلوگیری می‌کردند.

تأثیر شخصیت‌های علمی و فرهنگی در سرنوشت سیاسی و فرهنگی يك جامعه، امری است که نه تنها در دنیای امروز، که از گذشته بر برنامه‌ریزان هر جامعه روشن بوده است. از این رو، سلاطین جور از حضور چهره‌های تأثیرگذار فرهنگی در عرصه سیاست و اجتماع جلوگیری می‌کردند. تأثیر حکومت‌ها در حضور این شخصیت‌ها و رشد علمی، فرهنگی يك جامعه، بسیار قابل تأمل است. نمونه بارز این مهم، حمایت صفویه از علم و علما و رشد چشمگیر علمی جهان تشیع در آن دوره است.

اما گاه این چهره‌های فرهنگی فراتر از سایرین در شکل‌گیری يك جریان، مکتب، مسلک و حتی يك دین در سطح يك جامعه مؤثرند. گاه این اثرگذاری دامنه تاریخ را فرامی‌گیرد و اثر آن فراتر از يك دهه، سده و یا هزاره است. از این رو، چهره‌های مذهبی- فرهنگی بیش از چهره‌های علمی- فرهنگی، سیاست‌های تنگ‌نظرانه حکام را تحمل کرده‌اند، زیرا کسانی که برای حفظ يك ایدئولوژی حرکتی فرهنگی را آغاز می‌کنند، در راه اثبات و تثبیت آن اولین چیزی را که نشانه می‌روند، پایه‌های سیاست‌هایی است که ریشه در مخالفت و معاندت با مبنای اعتقادی آنان دارد، حال آن که شخصیت‌های علمی را می‌توان در برهه‌ای از زمان در خدمت سیاست درآورد.

آنچه در شکل‌گیری این رخدادها مؤثر است، رجعت فرهنگی جامعه و گذار يك اصل ثابت شده به دوره‌های پیشین فرهنگ است. این اتفاق، نشان از عمیق نبودن لایه‌های فرهنگ مذهبی نیست، بلکه از تأثیر سیاست و قدرت در اضمحلال و انحراف گرایش‌های مذهبی و فرهنگی توده مردم خبر می‌دهد. تاریخ پرتلاطم اسلام، عاری از این واقعیت نیست. رحلت پیامبر(ص) سرآغاز يك رجعت نامیمون از فرهنگ اصیل اسلامی به دوره جاهلی بود. گرچه پوسته ظاهری اسلامی بر بدنه تفکرات جاهلی کشیده شد، اما جامعه اسلامی رفته رفته محتوای دستورات الهی و نبوی را دستخوش تغییرات بنیادین برگرفته از سیاست حکام می‌ساخت.

این جریان آرام آرام به شکل خطرناکی در کمتر از نیم قرن پس از رحلت پیامبر(ص)، اساس و ریشه فرهنگ اسلام را نشانه رفت، به گونه‌ای که از آنچه پیامبر(ص) به عنوان ارمغان وحی در اختیار مردم قرار داده بود، جز خاطره‌ای محو چیزی باقی نمانده بود.

جریان‌های تاریخ سیاسی اسلام که پس از شهادت علی(ع) و روی کار آمدن معاویه رخ داد، بیشترین تأثیر را در عمق بخشیدن به این اتفاق گذاشت. آغاز حکومت یزید همراه با کنار زدن پوسته فرهنگ اسلامی از بدنه بیمار آن بود. آنچه او آغاز کرد، مبارزه علنی با دستورات پیامبر(ص) بود. این رویداد، يك اتفاق سیاسی صرف نبود، بلکه در پس آن يك جریان فرهنگی قرار داشت. قیام حسین بن علی(ع) در راه احیای دین نبوی، به همین منظور صورت گرفت. جبهه‌بندی همه کفر در برابر همه اسلام و شمار اندک یاران حسین (ع) نشان از عمق فاجعه دارد.

شهادت امام حسین(ع) در حالی که هنوز صحابه پیامبر(ص) خاطره روایت او را در خصوص حقانیت خاندانش در خلافت و امامت فراموش نکرده بودند، بیش از پیش از گمراهی جامعه خبر می‌داد.

شهادت حسین(ع) اتمام حجت بر سیاست حاکم بر فکر مردم بود، اما آنچه پس از آن مهم می‌نمود، بیداری فرهنگی امت اسلام بود. حضور زینب کبری(س) در واقعه عاشورا و پرچمداری کاروان حسین(ع)، صلابت، شجاعت و بهره‌مندی او از علم و... نکات برجسته‌ای بود که او را در پایه‌گذاری انقلاب دوم عاشورا کمک می‌کرد.

بی‌شک، هر انقلابی برای شکل‌گیری باید از چند مرحله مقدماتی عبور کند تا به نقطه پایانی که هدف آن است، برسد. اولین گام زینب(س) در انقلاب دوم عاشورا که به حق می‌توان از آن به عنوان «انقلاب فرهنگی عاشورا» یاد کرد، پرچمداری فکری این جریان بود که بازگشت به مبنای فکری نبوی و علوی را در دستور کار خود قرار داد. اهمیت این رویکرد از آن‌جاست که تا زمانی که مبنای فکری يك جمع دستخوش بحران و انحراف باشد، به هیچ وسیله‌ای نمی‌توان از اصلاح آن سخن گفت؛ لذا اولین اقدام برای اصلاحات فکری، اصلاح در ریشه‌های فکری يك جامعه است. گام مهم دیگری که پیام‌آور عاشورا را در راه پرفراز و نشیبی باری کرد، ایراد خطبه‌های پرشوری بود که عاری از شعور حسینی نبود. اشاره به اصول دین، مذهب، انحراف‌های جامعه، تحریک احساسات مردم و بهره‌مندی از آن نکاتی است که در این بیانات به چشم می‌خورد و بی‌تردید زینب(س) را در رسیدن به هدف مقدسش باری رساند.

این خطبه‌ها در دو جایگاه مهم بیان شد؛ نخست بین مردم، در واقع اولین اشاره حضرت زینب(س) پایگاه مردم و اجتماع است زیرا بیشترین خسران از ضعف فرهنگ در جامعه عاید این جمع شده است. جایگاه بعدی در دربار عبید... بن زیاد و سپس یزید است که در آخرین خطبه نتیجه لازم را به دست می‌آورد و آن اعتراف به خطا از ناحیه یزید است.

اما زینب(س) این اتفاق را پایان انقلاب خود نمی‌داند، بلکه برای تثبیت یافته‌های خود کار تبلیغاتی گسترده‌ای را در قالب برپایی مجالس سوگواری و سفر به شهرهای اسلامی چون قاهره، شام، مدینه... آغاز کرده و پیام عاشورا را همچنان گرم و برشور به گوش همگان رساند. بدین‌سان زینب(س) را می‌توان بنیان‌گذار انقلاب فرهنگی عاشورا دانست که هدایت فکری جامعه اسلامی به واسطه پیام‌رسانی عاشورا نتیجه همه زحمات آن بانوی بزرگوار بود.

طیبه مروت

شیعه نیوز